

«مستندات فقهی جهاد با مال: ماهیت و حکم شرعی»

محمد جواد عادلیان (نویسنده مسئول)

دانشجوی گروه فقه سیاسی مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی، قم، ایران

javadadelian1371@gmail.com

دکتر محمد عشایری منفرد

دانشیار گروه مترجمی، مجتمع زبان، ادبیات و فرهنگ‌شناسی، جامعة المصطفی العالمیة، قم، ایران

چکیده

در آیات متعددی از قرآن کریم، تعبیر جهاد با مال که از مصادیق جهاد اقتصادی است، مطرح شده اما علاوه بر ماهیت جهاد با مال، نسبت به حکم شرعی آن به ویژه در مستندات قرآنی، لازم است که بررسی دقیقی صورت پذیرد و با تکیه بر این منبع مشترک تمامی مذاهب اسلامی، لزوم جهاد با مال را در شرایط معاصر کشورهای اسلامی که در تقابل و نبرد نظامی با استکبار جهانی خسارت‌های زیادی متحمل شده‌اند، اثبات نمود. با بررسی صورت گرفته، روشن شد که نسبت به اصطلاح جهاد اختلافاتی در میان فقهاء مطرح است و برخلاف تصویر رایج که جهاد را به تقابل نظامی با دشمن تعریف می‌نمایند، با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و با تکیه بر تحلیل داده‌ها بر اساس استنباط فقهی اجتهادی روشن شد که جهاد در قرآن، به معنای مطلق مبارزه با دشمن است که این مبارزه شامل نظامی و اقتصادی و... است. بنابراین ماهیت جهاد با مال، تکلیفی بر عهده مسلمین است که با بذل مال خود در تقابل با دشمن، مبارزه نمایند. این بذل مال به حکم آیات متعدد قرآنی و سائر ادله، واجب شرعی کفائی است و از جمله تکالیف مالی بر عهده مسلمین در جهت مبارزه با دشمن است.

کلید واژه

جهاد، جهاد با مال، انفاق، جهاد اقتصادی، جهاد مالی، فقه سیاسی.

جهاد به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام تربیتی و سیاسی اسلام، جایگاهی بی‌بدیل در قرآن کریم دارد. آیات متعددی از جمله «وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»^۱ بر اهمیت این فریضه الهی تأکید کرده‌اند. نکته قابل تأمل آنکه قرآن کریم در آیه ۸ به صورت صریح، مسئله «جهاد با مال» را مطرح نموده است، از جمله در آیه شریفه «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲ که بر ضرورت مشارکت مالی در کنار فداکاری جانی تأکید می‌ورزد. از سوی دیگر واجبات مالی دیگری مانند خمس و زکات نیز در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است.

تکرار و تأکید قرآن کریم بر روی جهاد با مال این مسأله را به وجود می‌آورد که ماهیت جهاد با مال و حکم شرعی آن چیست؟ برای حل این مسأله باید به پرسش‌هایی از این دست رسید: جهاد با مال چه رابطه‌ای با واجبات مالی دیگر دارد؟ دیدگاه فقیهان و مفسران درباره ماهیت جهاد با مال چیست؟ حکم شرعی مستفاد از ظاهر آیات قرآن چیست؟ فرضیه تحقیق آن است که جهاد با مال، واجب مالی مستقلی است و حکم شرعی وجوب کفائی است.

به نظر می‌رسد قرار گرفتن جهاد با مال در سیاق آیات جهاد با جان، که به جهت اهمیت توجه مفسران و قرآن‌پژوهان را به طور ویژه‌ای به خود جلب می‌کند، موجب شده این امر از انظار قرآن‌پژوهان مسلمان دور بماند و در حد کافی مورد گفتگو قرار نگیرد و به تدریج رخنه علمی قابل توجهی در این زمینه بروز کند. این جای خالی به ویژه در عرصه فقه سیاسی، نیازمند شناسایی دقیق‌تر ویژگی‌ها و حدود شرعی این فریضه مالی است تا مسئولیت‌ها و احکام مرتبط با آن به درستی احراز و تبیین شود.

برای حل این مسأله، در ابتدا مناسب است که به مؤلفه‌های دخیل در کلمه (جهاد) پرداخت و روشن نمود که چه عناصری برای تحقق جهاد در قرآن کریم لحاظ شده و اینکه آیا این کلمه در قرآن کریم به همان معنایی به کار می‌رود که در کلام فقهاء مطرح شده یا خیر؟ با روشن شدن معنای جهاد، نوبت به بررسی ترکیب (جهاد با مال) می‌رسد و باید روشن گردد که بر اساس ادله، این نوع از جهاد امری مستقل از جهاد با نفس است و یا اینکه از باب مقدمه و شرط لازم در تحقق جهاد با نفس در آیه ۹ از قرآن کریم مورد استفاده واقع شده است؟

البته کفائی بودن جهاد با مال، اقتضا می‌کند که در صورت تأمین کافی منابع توسط حکومت یا گروهی از مکلفان، آحاد مکلفان مسلمان مسئولیتی نسبت به این تکلیف نداشته باشند؛ اما این کفائی بودن موجب نمی‌شود که بررسی فقهی مسأله از اولویت خارج شود بلکه لازم است که نسبت به ماهیت جهاد با مال و بالتبع وجوب یا عدم وجوب استقلالی آن بررسی لازم صورت پذیرد.

حکم شرعی جهاد با مال در آموزه‌های اسلامی با وظایف مالی که دولت‌ها در زمان جنگ برای مردم مقرر می‌دارند، شباهت‌هایی دارد. چه در مباحث حقوق بین‌الملل معاصر نیز کشورهای درگیر جنگ، برای تأمین منابع مالی لازم در نبرد،

^۱ حج: ۷۸

^۲ توبه: ۴۱

اقدام به وضع قوانین مالیاتی متناسب با وضعیت جنگی می نمایند.^۱ این الزام مالی، که در قالب مقررات حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه نیز تبیین شده، به عنوان یکی از ارکان حفظ حاکمیت و پایداری دولت در برابر تهدیدات بیرونی شناخته می شود. از این منظر، جهاد با مال در اسلام نیز علاوه بر برآوردن تکلیف دینی، می تواند به مثابه بستر معرفتی و حقوقی مشابهی تلقی گردد که مشارکت مالی همگانی را در تأمین امنیت و استقلال جامعه تضمین می نماید و بیانگر همگرایی اصول الهی و حقوق معاصر در زمینه حمایت مالی در شرایط بحرانی است.

در خصوص این زمینه تنها یک نوشته از واعظ زاده خراسانی مطرح شده که دغدغه نویسنده، بیشتر ناظر به دسته بندی آیات قرآن و توجه به معارف و ظرائف قرآنی آیات ناظر به جهاد و ثمرات توجه به جهاد در قرآن کریم است و به دنبال اثبات حکم شرعی جهاد با مال و بررسی ادله موافق و مخالف وجوب جهاد با مال نیست؛ ولی تلقی بسیاری از مفسران و قرآن پژوهان مبنی بر وجوب جهاد با مال، امری مشهود است^۲، اما نوعاً تلقی ایشان از جهاد با مال مخصوص نبرد نظامی است و همچنین به بحث از ادله مختلف قرآنی آن و کیفیت دلالت بر وجوب، بحثی صورت نگرفته است. در این بین، یکی از قرآن پژوهان^۳ و یکی از فقهاء^۴ تصریح به وسعت مفهومی جهاد با مال نموده است؛ اما در صدد اثبات کیفیت دلالت ادله بر موضوع و حکم شرعی آن به عنوان موضوعی مستقل نبوده است. از جمله مقالات مرتبط با بحث می توان به مقالاتی حول محور جهاد اقتصادی مانند «اصول و مبانی جهاد اقتصادی در پرتو قرآن کریم» نوشته محمد طاهر اخلاقی اشاره کرد که از جهاتی قرابت با موضوع محل بحث دارند؛ اما با توجه به اخص بودن موضوع امور مالی نسبت به اقتصادی، در بسیاری از امور تفاوت هایی میان این دو موضوع وجود دارد. در این مقاله جهاد اقتصادی را به تلاش بی وقفه و مستمر در راستای اهداف از پیش تعیین شده مکتبی در بعد اقتصادی انسان تعریف شده است و در ادامه به مبانی هستی شناسی و انسان شناسی و اصول مربوط به جهاد اقتصادی می پردازد. همچنین در مقاله «وجوه شرعی و مالیات» نوشته عباس مخلص به بحث از لزوم یا عدم لزوم شرعی گرفتن مالیات توسط حکومت اسلامی پرداخته شده است که در ذیل آن به بحث از اهمیت جهاد با مال برای تأمین نیازهای جنگ با دشمنان لازم پرداخته شده است، اما علاوه بر تفاوت در موضوع و ارائه تعریف مضیقی از جهاد با مال، به بحث مستقل از ادله حکم تکلیفی، پرداخته نشده است. روش حل مسئله در این نوشته، مطالعه اسناد و مدارک و تحقیق کتابخانه ای است که در مرحله بعد باتکیه بر استنباط اجتهادی فقهی به توصیف و تحلیل داده ها پرداخته شده است.

۱. مفاهیم کلیدی و کلیات

^۱ Bullock, Financing the War, 359.

^۲ طبرسی، مجمع البیان، ۵/۵ و رشید رضا، تفسیر المنار، ۱۰/۴ و طباطبایی، المیزان، ۲۸۹/۹ و زحیلی، تفسیر المنیر، ۲۲۴/۱۰ و...

^۳ مصباح یزدی، پیام مولی از بستر شهادت، ۲۴۹.

^۴ روحانی، فقه الصادق، ۱۰/۱۹.

۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی جهاد

برای بررسی چیستی معنای جهاد ابتدا باید معنای لغوی آن را به دست آورد و سپس به معنای اصطلاحی آن در فقه پرداخت.

جهاد در لغت عرب بر وزن فعال، یا مصدر از مفرد جَهِد به معنای مشقة و سختی است و یا اینکه از مفرد جُهِد به معنای حداکثر توان و طاقت گرفته شده است.^۱ بنابراین ریشه جهاد، به کارگیری حداکثر تلاش که توأم با مشقت و سختی است، هست.^۲ اما باید توجه داشت که جهاد مصدری از باب ثلاثی مزید (جاهد - یجاهد - مجاهد - جهادا) می باشد و این مصدر اقتضاء اشراب معنایی طرفینی دارد و در نتیجه معنای مجرد تلاش و کوشش ولو به حداکثر وسع و طاقت، نمی تواند ترجمه درستی برای واژه جهاد باشد و لازم است معنای تقابل با دشمن را در معنای لغوی آن وارد ساخت.

به نظر می رسد در معنای جهاد عناصر بذل و کوشش تا حداکثر طاقت و تقابل با دشمن از عناصر کلیدی باشند و سایر امور مانند نوع تقابل که نظامی باشد یا اقتصادی و امنیتی و یا حتی اینکه دشمن، انسان باشد یا شیطان از مؤلفه های کلیدی مفهوم جهاد نیست. برای این ادعا شواهدی وجود دارد که مجموع این شواهد، نه هرکدام به تنهایی، می تواند ادعای مطرح شده را تأیید کند.

۱- قول برخی از اهل لغت که جهاد را به مطلق (استفراغ الوسع فی مدافعة العدو)^۳ و (المبالغة و استفراغ الوسع فی الحرب أو اللسان أو ما أطاق من شيء)^۴ تعریف کرده اند و اشاره ای به خصوص تقابل نظامی نداشته اند.

۲- ارتکاز برخی از مفسران که جهاد را به (الجهاد بذل الجهد بقدر الوسع و مصارعة المشاق)^۵ و (جهاد بذل الجهد و الطاقة فی مدافعة العدو)^۶ و (تلاش توأم با رنج)^۷ دانسته اند.

۳- عدم استعمال ماده (ج-ه-د) بر وزن فعال در اشعار عرب جاهلی و شروع به کارگیری این ترکیب از قرآن کریم. با بررسی انجام شده در کتب معتبر اشعار عرب جاهلی روشن شد که کلمه (جهاد) و مشتقات آن بر وزن فعال در اشعار عرب جاهلی به کار برده نشده است و با توجه به استعمال این کلمه در قرآن کریم در معنایی اعم از مبارزه نظامی، می توان به اطلاق این کلمه در ادله شرعی تمسک کرد. برای بررسی اشعار عرب جاهلی علاوه بر بررسی

^۱ جوهری، صحاح، ۴۶۰/۲.

^۲ فیروزآبادی، القاموس المحيط، ۲/۷۷.

^۳ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۲۱۸.

^۴ ابن منظور، لسان العرب، ۱۳۵/۳.

^۵ رشید رضا، تفسیر المنار، ۱۰۴/۱۰.

^۶ طباطبائی، المیزان، ۲۲۸/۱۵.

^۷ قرشی، قاموس قرآن، ۷۸/۲.

دیوان بسیاری از شعراء معروف و غیر معروف عرب جاهلی، به کتب تحقیقی جمع آوری کننده اشعار عرب جاهلی مانند (اشعار الشعراء الستة الجاهلیین) و (الشعراء الجاهلیون الاول) مراجعه شده است.

۴- تقدم استعمال حقیقی بر مجازی در ظاهر کلام بر اساس اصالة الحقیقة و در نتیجه حمل جهاد بر استعمال حقیقی در تمامی آیات قرآن مورد استفاده از (جهاد). حتی در آیاتی مانند «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ...»^۱ و «وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي...»^۲ که برای اشاره به تلاش والدین در انحراف فکری فرزند به کار رفته نیز بر اساس این تحلیل، استعمالی حقیقی است و به نظر می رسد که معنای آن در این موارد به کارگیری حداکثر تلاش و توان در تقابل و مبارزه با انحراف فکری فرزند^۳ به جهت مشرک ساختن اوست و در نتیجه با تحفظ بر معنای طرفینی، معنای لغوی نیز حفظ شده است. علاوه بر آن، آیاتی از قبیل (محمد: ۳۱ و حج: ۷۸ و توبه: ۱۶ و...) که در آنها قرینه‌ای مبنی بر اختصاص به تقابل نظامی با دشمن وجود ندارد، نیز می تواند مورد توجه باشد.

شواهد فوق در حد مقتضی می تواند اثبات کند که قید (تقابل با دشمن) در معنای کلمه جهاد اخذ شده و این کلمه معنایی گسترده تر از جهاد نظامی دارد اما بدون ابطال موانع احتمالی نمی توان فرضیه را ثابت شده تلقی کرد. بنابراین به موانع محتمل نیز باید نگاهی انداخت.

نخستین مانع محتمل ارتکاز علامه طباطبایی در تفسیر برخی از آیات قرآن کریم^۴ است^۵ ایشان مطرح کرده اند که سیاق آیات قرآن در موارد به کارگیری قید فی سبیل الله محتمل است که متعلقش را منحصر به امور قتال و مبارزه نظامی نماید و در نتیجه جهاد با چنین قیدی، قرینه‌ای بر اختصاص به قتال و مبارزه نظامی است.

به نظر می رسد که این احتمال مورد اشاره ایشان صحیح نباشد؛ چرا که برخی از آیات همراه با این قید^۶، در مواردی هیچ قرینه‌ای بر اختصاص به مبارزه نظامی ندارند؛ ضمن آنکه قید فی سبیل الله در موارد زیادی برای اموری که ناظر به جنگ نیست،^۷ به کار رفته است و همانطور که ایشان نیز اشاره داشته اند^۸، قید فی سبیل الله، برای اشاره به اقامه دین و اعلاء کلمه توحید است که این مفهوم اعم از مبارزه نظامی است و در نتیجه وجهی برای چنین اختصاصی یافت نشد.

^۱ لقمان: ۱۵.

^۲ عنکبوت: ۸.

^۳ از دید والدین

^۴ طباطبایی، المیزان، ۲/ ۲۸۴ و ۵/ ۳۲۸.

^۵ مانده: ۵۴.

^۶ بقره: ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۷۳ و توبه: ۳۴.

^۷ طباطبایی، المیزان، ۶/ ۱۲.

دومین مانع محتمل، ارتکاز فقیهان است که این کلمه را فقط در معنای جهاد نظامی به کار می‌برند. اصطلاح اخصی از جهاد نیز مطرح است که موضوع احکام ویژه‌ای در باب مبارزه نظامی است و این اصطلاح محل تمرکز فقهاء^۱ بوده است و مرادشان خصوص تلاش و کوششی است که در تقابل نظامی با دشمن در راه اعتلاء کلمه اسلام باشد به گونه‌ای که برخی^۲ این مفهوم را به حدی مضیق نموده‌اند که حتی جهاد دفاعی را نیز جهاد نمی‌دانند.

اما علت عدم بیان معنای اعم برای جهاد و اختصاص آن به خصوص مبارزه نظامی که برخی از اهل لغت^۳ نیز بدان مایل بودند، به نظر می‌رسد که یا به دلیل کاربرد زیاد جنگ‌های نظامی و استفاده از این کلمه در این امور بوده که منجر به کثرت وجودی این مصداق از مصادیق جهاد در تقابل با دشمن شده و یا اینکه به جهت ایجاد موضوعی واحد برای مجموعه‌ای از احکام (فرار از جهاد، عدم لزوم تغسیل و تکفین و...) است به گونه‌ای که هرگاه این اصطلاح مطرح شد، آن مجموعه احکام نیز به ذهن منتقل گردند^۴ و شاید به همین علت باشد که برای عده‌ای (شهید ثانی و صاحب جواهر) از فقهاء، اطلاق عنوان جهاد، بر بذل المال فی مدافعة العدو دشوار شده است و این بذل مال را حداکثر یک امری که بذل النفس متوقف بر آن است، بر می‌شمارند و از صدق عنوان جهاد بر آن، خودداری می‌کنند؛ زیرا این مجموعه احکام بر کسی که تنها جهاد با مال نموده باشد، صحت سلب دارد و صدق نمی‌کند؛ اما به نظر می‌رسد که کلمه جهاد در قرآن همانطور که برخی از لغت‌شناسان قرآنی^۵ تصریح کرده‌اند، در همان معنای اعم به کار رفته و این ادله نمی‌تواند مانع ظهور این کلمه در مطلق مبارزه با دشمن گردد؛ ضمن آنکه استعمال متعدد قرآنی جهاد با مال، تحلیل کلام فقهاء در انصراف جهاد به خصوص معنای نظامی را ابطال می‌کند.

۲-۱. اصطلاح جهاد اقتصادی

منظور از جهاد اقتصادی، جهاد در عرصه امور اقتصادی است و با توجه به اینکه اقتصاد را به مطالعه نحوه مدیریت منابع کمیاب از سوی جامعه تعریف کرده‌اند^۶، شامل مباحث مالی و مدیریت منابع مادی و انسانی و... می‌گردد و در نتیجه تعبیری اعم از جهاد با مال است. قوام تعریف مختار از جهاد، تلاش حداکثری در تقابل با دشمن اعم از نظامی و غیر نظامی شد که در این صورت، جهاد اقتصادی به تلاش در جهت تقابل با دشمن در همه امور اقتصادی اعم از مالی و غیر مالی تعریف می‌گردد.

^۱ شهید اول، موسوعة الشهيد الاول، ۳۳۱/۱ و عراقی، شرح تبصرة المتعلمين، ۳۱/۴ و کرکی، جامع المقاصد، ۳۶۵/۳.

^۲ میرزای قمی، جامع الشتات، ۳۵۲/۱.

^۳ مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۴۰۸.

^۴ مشکینی اردبیلی، مصطلحات الفقه ۱۹۲ و روحانی، فقه الصادق، ۹/۱۹.

^۵ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۲۱۸.

^۶ منکیو، مبانی علم اقتصاد، ۱۱.

۳-۱. اصطلاح جهاد با مال

با توجه به تعریف مختار از جهاد، همانطور که برخی دیگر از فقهاء نیز مطرح کرده‌اند،^۱ جهاد اختصاصی به نبرد نظامی با دشمن ندارد و هر نوع تقابلی با دشمن را در بر می‌گیرد و طبعاً جهاد با مال نیز اختصاصی به تقابل نظامی با دشمن ندارد و هرگونه بذل مالی را در جهت مبارزه با دشمن اعم از علمی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و امنیتی را در بر می‌گیرد و مسلمین نه تنها برای امور مربوط به جنگ، بلکه در کمک به تحصیل و رشد علمی در جایی که دشمن در صدد جنگ علمی است و حل مشکلات اقتصادی در جایی که دشمن در صدد جنگ اقتصادی است و کمک به حل مشکلات سیاسی در جایی که دشمن در صدد جنگ سیاسی است را نیز شامل می‌شود.

فقیهان امامیه را در برابر این مدعا به دو گروه مخالف و موافق، می‌توان تقسیم کرد. گروه مخالف، فقیهانی مانند شهید ثانی هستند که جهاد را صرفاً به بذل نفس خاص در برابر دشمن یا باغیان و مقدمات مالی آن تعریف کرده‌اند^۲ که از یک سو با توجه به اطلاق معرّف، کشف می‌شود که در صدد تعریف خصوص جهاد با نفس نیستند والا باید قیدی در آن ذکر می‌کردند و در نتیجه ایشان نیز جهاد را منحصر به جنگ نظامی می‌دانند و از سوی دیگر، این تعبیر در حاشیه فرمایش شهید اول^۳ مطرح شده و برخلاف تعبیر روشن شهید اول که در ماهیت جهاد، بذل نفس و مال را در عرض هم قرار داده، ایشان تعبیری مشعر به عدم استقلال بذل مال نسبت به بذل جان دارند. صاحب جواهر^۴ نیز این تعبیر را پذیرفته و در جای دیگر تعبیر (لم أعرف قائلًا بوجود الجهاد بالمال مع الجهاد بالنفس)^۵ را مطرح ساخته و می‌توان این احتمال را تقویت کرد که در نظر ایشان جهاد با مال، در عرض جهاد با نفس نیست و در نتیجه در جنگ نظامی با دشمن، مسلمانان فقط موظف به بذل جان هستند و طبیعتاً یکی از اموری که لازمه بذل جان است، مصرف برخی از اموال در مسیر انجام این تکلیف است اما این بذل مال، امری مقدمی و از باب مقدمه واجب است و وجوبی مستقل در عرض جهاد با نفس بر همه مسلمین اعم از مجاهد با جان و غیر مجاهد با جان ندارد.

یکی از نتایج چنین برداشتی از جهاد با مال این است که وقتی جهاد نظامی به دلیلی مانند عجز از یک مکلف عاجز ساقط شود مقدمه‌ی آن که جهاد با مال باشد نیز از او ساقط می‌شود. یکی دیگر از نتایج آن این است که جهاد با مال فقط بر کسی واجب است که جهاد نظامی بر او واجب شده باشد. نتیجه سوم آن که این جهاد برای خودش شرط خاصی نداشته

^۱ روحانی، فقه الصادق، ۱۹/۱۰.

^۲ شهید ثانی، روضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية (کلانتر)، ۷/۳: (بذل الوسع بالنفس، و ما يتوقف عليه من المال، فی محاربة المشركين أو الباغين علی وجه مخصوص)

^۳ شهید اول، موسوعة الشهيد الاول، ۳۳۱/۱. (بذل النفس والمال فی إعلاء كلمة الإسلام وإقامة شعار الإيمان)

^۴ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳/۲۱.

^۵ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۲۸/۲۱.

باشد بلکه در همه چیز تابع همان جهاد نظامی باشد. بر این اساس، جهاد با مال ناظر به تهیه زاد و توشه و سلاح و مرکب نفس مکلف برای حضور در میدان نبرد و یا اینکه حداکثر گفته شود ترک دارایی‌ها و ضررهایی که در ایام نبرد نظامی متحمل می‌شود را نیز شامل می‌گردد و بیش از این بر مکلف لازم نیست و چیزی بیش از این را شامل نمی‌شود.

اما در پاسخ بدین تحلیل از ماهیت جهاد با مال می‌توان گفت که شاید ایشان به دلیل عدم صدق عرفی جهاد بر کسی که جهاد با مال کرده ولی قادر به جهاد با نفس نبوده، چنین بیانی داشته و حال آنکه انصراف جهاد به نبرد نظامی با جان در برابر دشمن روشن نیست و موارد متعددی از آیات قرآن خلاف این معنا را مد نظر قرار داده‌اند و وجوه متعددی که در بیان معنای جهاد گذشت در اینجا نیز بیان کننده ادعای مطرح شده است.

گروهی که ظاهر کلام آنها را شاید بتوان موافق با ادعای این مقاله دانست، فقیهانی مانند سید خوئی^۱ هستند که جهاد با مال را یک واجب مستقل در عرض جهاد با نفس دانسته‌اند و در این صورت، جهاد با مال تکلیفی مستقل از جهاد با نفس می‌گردد و بر هر مکلفی در نبردهای نظامی با دشمن، دو تکلیف مستقل متوجه است که در صورت عاجز شدن از یکی، وجوب دیگری ساقط نمی‌گردد. بر این اساس، ماهیت جهاد با مال شامل هر بذل مالی در تقابل نظامی با دشمن می‌گردد و علاوه بر تأمین امور شخصی برای نبرد با دشمن، شامل تأمین ابزار دیگران و کمک به سایر مسلمین برای حضور در میدان نبرد نیز می‌شود و به طور کلی هر امری که دخیل در جنگ با دشمن باشد را در بر می‌گیرد.

مشکل سخن این گروه، تنها در اختصاص جهاد به نبرد نظامی با دشمن است، حال آنکه با وجوه متعددی اثبات شد که جهاد از حیث تقابل با دشمن اعم است و شامل مبارزه نظامی و غیر نظامی می‌شود.

۴-۱. تفاوت جهاد با مال با سایر واجبات مالی

پس از روشن شدن اجمالی مفهوم جهاد با مال، لازم است که به بررسی تفاوت این مفهوم با سایر مفاهیم مالی پرداخت.

۱-۴. مقایسه جهاد با مال با انفاق

یکی از تکالیف مالی با اهمیت در اسلام است که بیش از ۵۰ آیه شریفه قرآن کریم به این مفهوم پرداخته است. انفاق از نظر لغوی به اخراج مال از خود^۲ و یا اعطاء آن^۳ تعبیر می‌شود و از نظر اصطلاحی به مطلق صرف المال به کار می‌رود^۴ که در همین معنا نیز در شریعت به کار رفته و در موارد متعددی از قرآن کریم^۵ مسلمین را توصیه به انفاق نموده است. همانطور که از معنای آن روشن است، انفاق دارای معنایی گسترده است و هرگونه اعطایی را در بر می‌گیرد و چنان که برخی

^۱ خوئی، منهاج الصالحین، ۳۶۷/۱۰. (الجهاد مع الکفار یقوم علی أساس أمرین: الأول: الجهاد بالنفس. الثاني: الجهاد بالمال)

^۲ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۴۵۴/۵.

^۳ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۲۰۷/۱۲.

^۴ شاهرودی، موسوعة الفقه الاسلامی، ۲۹۳/۱۸.

^۵ بقره: ۱۹۵ و ۲۵۴ و آل عمران: ۹۲ و ...

از مفسران^۱ ذیل آیه ۶۰ سوره انفال مطرح کرده‌اند، منظور از انفاق در این آیه شریفه بذل مال در جهاد است. در نتیجه مفهوم انفاق با جهاد با مال، مغایر است ولی از نظر مصداقی نسبت آن با جهاد با مال، عموم و خصوص مطلق است. نسبت به حکم شرعی نیز انفاق از عناوین عامی است که اساساً حکم تکلیفی خاصی ندارد و بسته به موارد صرف مال، واجب و یا حتی مستحب و حرام می‌شود و حال آنکه جهاد با مال به عقیده برخی از فقهاء^۲ واجب و به عقیده برخی^۳ واجب نیست که در ادامه به تفصیل اقوال ایشان مطرح می‌گردد.^۴

۲-۴-۱. مقایسه جهاد با مال با خمس

یکی دیگر از تکالیف مالی در اسلام است که متعلق به یک پنجم مازاد بر مصرف درآمدهای مسلمین است و ایشان چه سایر تکالیف مالی را انجام داده باشند و چه ترک کرده باشند، موظف به پرداخت این یک پنجم از اموال خود هستند. توجه باید نمود که خمس علاوه بر تفاوت در مصرف با جهاد با مال، در شرایط و جوب نیز با جهاد با مال تفاوت دارد و هرچند جهاد با مال مختص به صورت درگیری نظامی با دشمن است، پرداخت خمس اختصاصی به درگیری با دشمن ندارد و در هر زمانی که مسلمین درآمدی داشته باشند و از این درآمد، بخشی اضافه بیاید، موظف به پرداخت یک پنجم آن به عنوان خمس می‌باشند. علاوه بر آن خمس لازم است که تقسیم به دو قسم سهم سادات و سهم امام گردد و حال آنکه جهاد با مال اختصاص به طایفه و شخص خاصی ندارد و لازم است که به جهت تقویت قوای مسلمین مصرف شود، هرچند که نسبت به اختصاص یا عدم اختصاص جواز مصرف آن به اذن حاکم، باید بحث مستقلی را مطرح کرد. بنابراین هرچند جهاد با مال از نظر مفهومی مغایر با خمس است ولی نسبت آن در مصداق با خمس، عام و خاص من وجه است که مصداق مشترک آن جایی است که حاکم با یقین به رضایت امام، سهم امام در اموال خمس‌مسلمین را در امر مبارزه با دشمن مصرف می‌نماید.

۳-۴-۱. مقایسه جهاد با مال با زکات

زکات نیز از جمله تکالیف مستقل در شریعت است که از جهات مختلفی متفاوت با جهاد با مال می‌باشد. هم از جهت شرط وجوب و هم از جهت متعلق تکلیف. برخلاف زکات که در صورت رسیدن به نصاب مشخصی بر امور نه گانه، زکات واجب می‌شود، جهاد با مال مشروط به نصاب خاصی نیست، علاوه بر آنکه زکات به امور نه گانه خاصی تعلق می‌گیرد و حال آنکه جهاد با مال به تمامی اموال قابل استفاده در نبرد با دشمن یا قابل فروش برای جنگ، تعلق می‌گیرد و شرط خاصی از این جهت ندارد. اما اموال حاصل از هر دو وظیفه مالی را می‌توان در امور مربوط به جنگ مصرف کرد

^۱ ابن عاشور، التحرير و التئیر من التفسیر، ۱۴۶/۹.

^۲ سید خوئی و سید روحانی.

^۳ شهید ثانی و صاحب جواهر و... .

^۴ شاه‌رودی، موسوعة الفقه الاسلامی، ۲۹۳/۱۸.

هرچند که زکات در هر جای دیگری که حاکم صلاح بداند، قابل مصرف است. بنابراین هرچند مفهوم جهاد با مال مغایر با زکات است ولی از نظر مصداقی نسبت عام و خاص من وجه است که مصداق مشترک آن در جایی است که حاکم از جهت اجازه شارع به مصرف فی سبیل الله^۱، در امر مبارزه با دشمن، اموال حاصل از زکات را مصرف نماید.

۲. مبانی فقهی حکم جهاد با مال

در سه عنوان ادله متنی و دلیل عقلی و دیدگاه فقها به این مبانی پرداخته می شود.

۱-۲. ادله متنی

با روشن شدن مفهوم جهاد با مال، لازم است که به بررسی آیات ناظر به حکم شرعی جهاد با مال پرداخت. عمده تلاش محل بحث در این نوشته، بررسی دلالت آیات شریفه بر اهمیت و مطلوبیت جهاد با مال است و در نهایت باید بررسی کرد که آیا این آیات دلالت بر لزوم جهاد با مال دارند یا خیر. در صورتی که از این آیات لزوم جهاد با مال را برداشت کردیم، لازم است که بررسی نمود آیا مفاد این آیات، دلالت بر تکلیف مستقلی از جهاد با نفس است و یا اینکه تکلیف مستقلی از جهاد با نفس شمرده نمی شود.

برای تمرکز بیشتر بر بحث، لازم است که تفکیکی در آیات ناظر به بحث از جهاد با مال مطرح کرد و آیاتی که مورد استناد^۲ برای لزوم جهاد با مال واقع شده اند را از آیاتی که مورد استناد وجوب جهاد با مال واقع نشده اند و بلکه مطلوبیت آن را می رسانند، تفکیک کرد.

قبل از شروع بررسی آیات باید توجه داشت که با توجه به مفهوم شناسی ابتدای نوشته روشن شد، مفهوم انفاق، اعم از جهاد با مال می باشد و اطلاعات در این ادله، می تواند در مواردی شامل جهاد با مال شود اما در این جا از آیات انفاق که با عموم خود می توانند شامل جهاد با مال بشوند: رف نظر کرده و صرفاً آیاتی که به طور خاص جهاد با مال را بیان کرده اند، بررسی می شود.

آیات مورد بررسی، دو طایفه هستند: طایفه اول، آیاتی که امکان استناد فقهی به آنها برای اثبات وجوب جهاد با مال وجود دارد و طایفه دوم، آیاتی که برای اثبات حکم شرعی وجوب جهاد با مال به آنها استناد نمی شود و بلکه صرفاً تحریض و تشویق به امتثال حکم وجوب جهاد با مال می کنند.

۱-۲. دسته اول از ادله متنی: ادله مورد استناد فقهی بر لزوم جهاد با مال

در این طایفه به ادله ای اشاره می گردد که فقهاء نیز با تکیه بر قراین لفظیه آنها حکم به لزوم جهاد با مال به عنوان واجبی مستقل در عرض جهاد با نفس اشاره داشته اند و انگاره مقدمیت جهاد با مال برای جهاد با نفس و در نتیجه عدم استقلالش را ابطال کرده اند.

^۱ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۶۸/۱۵.

^۲ خوئی، منهاج الصالحین، ۳۶۸/۱.

أ. آیه ۴۱ سوره توبه

آیه ۴۱ سوره توبه با عبارت «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» از ادله اصلی وجوب جهاد با مال است. در این آیه، امر به جهاد با مال و جان، با واو عطف بیان شده که ظهور در استقلال این دو تکلیف دارد؛ بنابراین با وجود شرایط، جهاد با مال به صورت مستقلى واجب می شود. این استقلال با وجود به کار رفتن یک فعل («جاهدوا») برای هر دو، مخدوش نمی شود، چرا که همین عطف در متعلق امر برای اثبات استقلال کافی است. نمونه مشابه این ساختار، آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»^۱ است که فقها از آن دو حکم مستقل برداشت کرده اند.

در پاسخ به این ادعا که جهاد با مال به دلیل سیاق، منحصر به نبرد نظامی است، باید گفت: مفهوم «جهاد» ملازمه ای با نبرد نظامی ندارد و هرگونه تقابل با دشمن، اعم از فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را دربرمی گیرد. بنابراین، جهاد با مال نیز شامل بذل مال در تمامی این عرصه ها می شود. علاوه بر آن اشکال صاحب جواهر^۲ مبنی بر اجماع بر عدم وجوب جهاد با مال در عرض جهاد با جان، نیز وارد نیست، چرا که این اجماع، «سکوتی» و ناشی از عدم ابتلای مسئله بوده و بسیاری از مفسران^۳ خود قائل به وجوب مستقل جهاد با مال هستند. همچنین، عبارت «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ» در پایان آیه، که گاه به عنوان قرینه تخفیف مطرح می شود، منافاتی با وجوب ندارد و در آیات دیگر^۴ قرآن نیز این تعبیر ذیل او امر قطعی آمده است.

ب. آیه ۱۱ سوره صف

یکی از آیات قابل استناد برای وجوب جهاد با مال آیه «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۵ است. نسبت به این آیه شریفه شأن نزولی مطرح شده^۶ که عده ای از مسلمین در مدینه^۷ زمانی که آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ»^۸ نازل شد، بیان کردند که اگر می دانستیم این تجارت چیست، اموال و خانواده خود را خرج می کردیم و سپس آیه محل بحث نازل شد. اما این آیه در فضایی نازل شده که خدای متعال ابتدا در آیه ۱۰، سخن از تجارت بزرگ و عظیمی می کند که سود این تجارت رهایی از آتش عذاب

^۱ تحریم: ۶

^۲ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۲۹/۲۱.

^۳ طبرسی، مجمع البیان، ۵۱/۵ و قمی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ۴۶۵/۵ و فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۵۵/۱۶.

^۴ اعراف: ۸۵.

^۵ صف: ۱۱.

^۶ سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۲۱۴/۶.

^۷ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۸۹/۲۴.

^۸ الصف: ۱۰.

است و در آیه محل بحث اشاره می نماید که طرف معامله خدا، کسانی هستند که اولاً ایمان به خدا و رسول بیاورند و ثانیاً اهل جهاد با مال و جان در راه خدا باشند. وجه استناد به این آیه شریفه، بدین گونه است که اولاً در آیه ۱۰ از ادات استفهامی که به داعی عرض است و ظهور در امر دارد،^۱ استفاده شده است و در مفاد این استفهام، اشاره به تجارتی بزرگ برای در امان ماندن نسبت به عذاب الهی مطرح شده که با توجه به وجوب در امان ماندن از عذاب الهی، مفاد این تجارت که در آیه محل بحث مطرح شده، واجب می گردد و متعلق این وجوب همانطور که در آیه محل بحث مطرح شده، ایمان به خدا و رسول او و در مرحله بعد اقدام به جهاد با مال و جان در راه خدا است.

نکته مهمی که در این آیه شریفه قابل توجه است، عدم وجود قرینه‌ای مبنی بر اختصاص به تقابل نظامی با دشمن است و بلکه هر نوع مبارزه‌ای را در بر می گیرد و اطلاق عنوان جهاد در این آیه شریفه بدون اشکال، جاری است.

ج. آیه ۸۱ سوره توبه

آیه دیگری که می تواند مورد استناد برای وجوب جهاد با مال قرار بگیرد، آیه «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ»^۲ است. این آیه شریفه نیز به اذعان بسیاری از مفسرین^۳ ناظر به جنگ تبوک است و به قرینه سیاق آیات قبل و بعد، در صدد بیان اوصاف و حالات منافقین است.

وجه دلالت این آیه شریفه بر وجوب جهاد با مال و جان در این نکته است که در صورت استحباب یا اباحه یا کراهت جهاد با مال و جان، مجالی برای توبیخ و وعده به عذاب در ذیل آیه به کراهت درونی ایشان نسبت به جهاد با مال و جان باقی نمی ماند و در نتیجه حتماً این امور باید واجب باشند که خدای متعال تخطی از این امور را در منافقین تقبیح نموده است^۴ و حال آنکه اشاره‌ای به عذر ایشان نسبت به جان و مال نشده است و معذور نبوده اند. در نتیجه این آیه نیز دلالت بر لزوم جهاد با مال دارد.^۵

اما نسبت به قرینه‌ای مبنی بر اختصاص آیه شریفه به نبرد نظامی نیز باید توجه داشت که هر چند مورد آیه شریفه نبرد نظامی بوده و ایشان از عدم حضور در این نبرد اظهار شادی کرده اند و بهانه‌ای برای عدم حضور بیان داشته اند، ولیکن مورد نمی تواند مخصص آیه شریفه باشد و اطلاق جهاد با نفس و مال در این شریفه نسبت به هر نوع مبارزه‌ای در تقابل با دشمن جاری است، به همان بیانی که ذیل آیه اول محل بحث، اشاره شد.

^۱ طباطبائی، المیزان، ۲۵۸/۱۹.

^۲ توبه: ۸۱.

^۳ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۴/۸ و طباطبائی، المیزان، ۳۶۴/۹.

^۴ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۲۱/۱۳ و ۳۱۲/۱۳.

^۵ خویی، منهاج الصالحین، ۳۶۸/۱.

د. معتبره اصبح

بر اساس روایت (عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْجَوَّاءِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَجِهَادُ الرَّجُلِ بَذْلُ مَالِهِ وَنَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ)^۱ که سند معتبری بر اساس برخی مبانی^۲ دارد، به وضوح وجوب جهاد با مال را بر مردان بیان می‌دارد و اشاره دارد بدینکه بر مردان دو قسم جهاد واجب است. یکی جهاد با مال و دیگری جهاد با نفس و در نتیجه این روایت نیز برای اثبات وجوب جهاد با مال مفید است.^۳ همچنین باید توجه داشت که در این روایت نیز قرینه (حتی یقتل فی سبیل الله) کاشف از اختصاص جهاد در این روایت به مبارزه نظامی با دشمن نیست و اقتضای اطلاق کلمه جهاد مبنی بر شمول در همه انحاء مبارزه با دشمن می‌باشد و همان بیان ذیل آیه اول در اینجا نیز مطرح می‌شود.

۲-۱-۲. دسته دوم: آیات مشوق به امثال جهاد با مال

فریضه جهاد با مال از امور ضروری در قرآن کریم است و همانطور که در ادله لفظی سابق گذشت، روشن شد که در مواردی با تکیه بر این ادله می‌توان حکم به لزوم این نوع از جهاد نمود. در قرآن کریم آیات دیگری نیز نسبت به جهاد با مال وجود دارد که از نظر فقهی قرینه‌ای برای استفاده بر لزوم جهاد با مال ندارند، اما این ادله در صدد تحریض و تشویق مکلفین به امثال این فریضه الهی می‌باشند و وجودشان در قرآن کریم کاشف از اهمیت این فریضه نزد خدای متعال است.

در میان این طایفه از ادله، برخی از این آیات مانند آیه ۹۵ نساء^۴ است که این آیه فضیلت کسانی را که اهل جهاد با مال و جهاد با نفس بوده‌اند با کسانی که از جهاد سرباز زده‌اند مقایسه کرده و فضیلت گروه اول را اثبات کرده است. اما نکته مهمی که از این آیه شریفه استخراج می‌شود، لزوم کفائی جهاد با مال و جان است؛ چرا که در ذیل آیه شریفه، خدای متعال هردو طایفه را مستحق وعده نیک دانسته و این مطلب نشانه‌ای از عدم ارتکاب معصیت غیر مجاهدین است و این اقتضاء کفائی بودن جهاد و عدم وجوب عینی جهاد بر ایشان را دارد.^۵

^۱ کلینی، الکافی، ۹/۵.

^۲ به نظر سید خونی این سند معتبره است منهاج: ۱، ۳۶۸ و ریشه اختلاف نظرها درباره وثاقت حسین بن علوان است که تعبیری در کتب رجال دارد در وصفش بیان شده: إن الحسن كان أوثق من أخيه وأحمد عند أصحابنا (معجم رجال: ۷، ۳۴).

^۳ خونی، منهاج الصالحین، ۳۶۸/۱.

^۴ النساء: ۹۵: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا»

^۵ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۷۷/۴.

در این طایفه از ادله لفظی می‌توان به آیات دیگری^۱ نیز اشاره کرد که همه این آیات در صدد بیان کمال جهاد با مال و فضیلت و ناظر به اوصاف مؤمنین حقیقی و تحریر مؤمنین به انجام عمل مطلوب جهاد با مال و جان هستند و امکان اثبات لزوم جهاد با مال برای همه مسلمین از این آیات شریفه وجود ندارد.

نکته اساسی در آیه اول^۲، وجه اتصاف مهاجرین به جهاد با مال و جان است و حال آنکه تا پیش از هجرت، مبارزه نظامی میان مسلمین و مشرکین وجود نداشته است. مفسران^۳ به طور عمده دو احتمال را مطرح کرده‌اند. یکی بخاطر ترک منزل و زراعت و دارایی‌های غیرمنقول خویش از مکه بوده که در اثر هجرت آنها را رها کرده‌اند و در دست دشمن باقی مانده است و دیگری بخاطر مصرف اموالی است که در راه جنگ و دفاع و نصرت دین خدا و یا حتی هجرت در راه خدا صرف کرده‌اند، اما با توجه به توضیحی که نسبت به ماهیت جهاد با مال بیان شد، روشن می‌گردد که اتصاف مهاجرین به مجاهد با مال و جان منوط به تحقق مبارزه نظامی با دشمن نیست و بلکه مطلق بذل مال در مبارزه با دشمن ولو مبارزه اعتقادی و حفظ عقیده و ایمان نیز از مصادیق بارز جهاد با مال است.

اما نسبت به آیه دوم^۴ نیز برخی مفسران^۵ شأن نزولی مطرح کرده‌اند که عده‌ای از طایفه بنی اسد در یک سال قحطی به مدینه آمدند و در کنار ادعای ایمان سابق، انتظار دریافت کمکی از جانب پیامبر را داشتند و خدای متعال در این آیه شریفه در صدد اشاره به عدم ایمان حقیقی ایشان و بیان ویژگی‌های ایمان حقیقی است.

آیه دیگری که به جهاد با مال اشاره داشته، آیه «لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ»^۶ است. این آیه شریفه در سیاق آیاتی مطرح شده که خدای متعال در صدد توبیخ منافقان و افرادی است که در جنگ‌ها به بهانه‌های متعددی حضور پیدا نمی‌کنند و در آیه محل بحث به ویژگی افرادی که به دنبال بهانه نیستند و در جنگ‌ها با کمال میل شرکت می‌کنند، می‌پردازد. این افراد همان مومنان به خدا و روز قیامت هستند که ایمان‌شان سبب می‌شود از جهاد با مال و جان سر باز نزنند و به دنبال طلب اذن برای عدم شرکت در جهاد نباشند. اما این آیه ظهور در لزوم جهاد با مال ندارد و تنها به جهاد با مال به عنوان یکی از اوصاف مومنین و فقدان این عمل در منافقان، اشاره می‌نماید که این مطلب برای اثبات جهاد با مال کافی نیست؛ چرا که مومنان اهل صدقه برای رضای خدا و اهل خشوع و... نیز می‌باشند و حال آنکه منافقان از این اوصاف بی‌بهره‌اند ولیکن یقیناً این امور از واجبات شرعی محسوب

^۱ انفال: ۷۲ و حجرات: ۱۵ و توبه: ۲۰ و توبه: ۸۸

^۲ انفال: ۷۲.

^۳ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن، ۲۳۲/۵ و...

^۴ حجرات: ۱۵.

^۵ قطب، فی ظلال القرآن، ۳۳۴۹/۶.

^۶ توبه: ۴۴.

نمی‌شوند. به بیان دیگر، طلب اذن از عدم انجام جهاد با مال همانطور که با وجوب جهاد با مال سازگار است، با استحباب این عمل نیز سازگار است و ممکن است که برخی به جهت دغدغه امتثال مستحبات نسبت به انجام این عمل، معافیت نطلبند.

۲-۲. دلیل عقلی

با توجه به توضیحی که در ماهیت جهاد با مال گذشت، روشن شد که جهاد با مال، بذل مال در راه مبارزه با دشمن است و این مبارزه منحصر به مبارزه نظامی نیست و اقسام مختلف مبارزه اعم از اقتصادی و علمی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و هر میدانی را که دشمن محل تمرکز و مبارزه خود قرار دهد، میدان نبردی است که یکی از تکالیف مسلمین نسبت به این میدان نبرد، بذل مال است.

اما از نظر عقلی، ماهیت و وسعت مبارزه با دشمن در لزوم یا عدم لزوم بذل مال متفاوت است. به نظر می‌رسد که میان صورتی که شکست خوردن از دشمن منجر به اختلال در نظام معاش و تأمین نیازهای اولیه حیات اجتماعی می‌گردد با صورتی که این اختلال را در بر ندارد، باید تفکیک قائل شد و چنانچه شکست در برابر دشمن به گونه‌ای باشد که در نظام معاش اختلال لازم می‌آید و این دفع دشمن منوط به بذل مال مسلمین باشد، عقل به طور مستقل از باب لزوم حفظ نظام یا از باب حرمت اختلال در نظام با صرف نظر از اختلاف مبانی، حکم به لزوم بذل مال می‌نماید و در غیر این صورت، از نظر عقلی بذل مال در تقابل با دشمن از نظر عقلی ضروری نیست و تنها با تکیه بر اطلاق ادله شرعی است که در مطلق مبارزه با دشمن، بذل مال لازم است.

۳. رویکردهای فقهی به حکم شناسی جهاد با مال

همانطور که گذشت، بسیاری از فقها^۱ از اساس مفهوم جهاد را مختص به جهاد نظامی و مبارزه برای قتال دشمن معرفی کردند و از نظر مفهوم شناسی، جهاد با مال را جهاد تلقی نمی‌کنند مگر بر وجه مجاز. اما در مرحله حکم شناسی اختلاف نظرهایی مطرح است که مناسب است دیدگاه فقها را به دو نوع حکم شناسی مستقل و غیر مستقل تقسیم کرد و پس از آن، آثار حکم شناسی مستقل را که مدعای نوشته حاضر است، بررسی کرد.

این نکته را نسبت به نوع وجوب جهاد با مال نیز باید مورد توجه قرار داد، چنانچه فقهی قائل به وجوب باشد نیز قائل به وجوب کفایی است؛ چرا که اصل و اساس جهاد نیز واجبی کفایی است و مادامی که امام یا نائب وی، به شخص مسلمانی واجب عینی نکرده باشند، برای همه مسلمین جهاد با جان واجبی کفایی است و بالتبع جهاد با مال نیز که دلیلی فراتر از جهاد با مال ندارد، واجبی کفایی خواهد بود.

ناگفته نماند سعه و ضیق مصداق جهاد با مال و اینکه اطلاق در ادله جهاد با مال منجر به وجوب چه افعالی بر مکلفین می‌شود، بحثی مستقل است که باید در مجال دیگری بدان پرداخته شود و هدف در نوشته حاضر، بررسی مستندات وجوب جهاد با مال به صورت فی الجمله و با صرف نظر از بحث امور مسقط این تکلیف است.

^۱ شهید اول، موسوعة الشهيد الاول، ۳۳۱/۱ و عراقی، شرح تبصرة المتعلمين، ۳۱/۴ و کرکی، جامع المقاصد، ۳۶۵/۳ و میرزای قمی، جامع الشتات، ۳۵۲/۱.

۱-۳. حکم شناسی غیر مستقل جهاد با مال

مرحوم حلی^۱ و ظاهر برخی فرمایشات شهید ثانی^۲ و صاحب جواهر^۳ و سبزواری^۴ در این زمره قرار می گیرند و به نظر ایشان، جهاد با مال نمی تواند وجوبی مستقل از جهاد با مال داشته باشد.

مرحوم حلی وجه عدم وجوب مستقل جهاد با مال را، عبادت بدنی بودن جهاد می داند و شهید ثانی و صاحب جواهر بنا بر تقریبی که گذشت، ظاهر فرمایش شان عدم وجوب مستقل است. محقق سبزواری نیز ادله جهاد با مال را اساساً ناظر به وجوب پرداخت مال در تقابل با دشمن نمی داند و بلکه ناظر به کمک به فقرا و درماندگان می داند که در سیاق ادله انفاق و صدقه است.

حکم شناسی مستقل جهاد با مال

صاحب ریاض^۵ و سید خوئی^۶ و سید روحانی^۷ از جمله کسانی هستند که تصریح به وجوب مستقل جهاد با مال در عرض جهاد با جان دارند و ظاهر فرمایش برخی دیگر از علما^۸ موافق با این نظر است. دلیل ایشان بر این ادعا، ادله به تفصیل مطرح شده در همین نوشته است.

^۱ حلی، ایضاح ترددات الشرائع، ۲۳۹/۱.

^۲ شهید ثانی، روضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية (کلاتر)، ۷/۳.

^۳ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۲۸/۲۱.

^۴ سبزواری، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، ۹۵/۱۵.

^۵ طباطبایی، ریاض المسائل، ۱۷/۸.

^۶ خوئی، منهاج الصالحین، ۳۶۸/۱.

^۷ روحانی، فقه الصادق، ۴۷/۱۹.

^۸ شیخ طوسی و قاضی ابن براج و حلی و محقق کرکی

۲-۳. آثار حکم شناسی مستقل جهاد با مال

یکی از آثار وجوب مستقل جهاد با مال، لزوم استنابه (طلب نیابت برای کاری) و استیجار (طلب اجیر نمودن برای کاری) است که هرچند این دو عنوان در بحث حج دارای تفاوت اندکی است ولی در کتاب الجهاد از هر دو معنای واحدی اراده شده^۱ و برای صورتی به کار می روند که واجب کفایی جهاد بر امت اسلامی مستقر شده و شخص عاجز با استیجار می تواند تکلیفی را که بر او واجب نبوده و ناظر به قادرین بوده را از طرف مکلفین به مقداری اسقاط نماید و یا اینکه شخص برخلاف فرض اول، قادر بر امتثال است ولی بخاطر معلوم بودن عدم اراده مباشرت در امتثال تکلیف جهاد، با استنابه یا همان استیجار دیگری، خود را از حضور در جنگ معاف سازد^۲.

اینکه فقیهی قائل به لزوم استنابه و استیجار نباشد، الزاما کاشف از عدم پذیرش وجوب جهاد با مال نیست؛ چرا که ممکن است ادله وجوب جهاد با مال را از چنین فرضی منصرف بداند و یا اطلاق در ادله جهاد با مال را نسبت به ارسال نائب و اجیر مورد مناقشه قرار دهد و این ادله را ناظر به تهیه زاد و توشه مجاهدین با جان بداند، ولی در صورتی که فقیهی نسبت به عاجزین از حضور در میدان جنگ، تکلیف لزوم تجهیز مالی افرادی که بخاطر عدم توانایی مالی محروم شده اند، بیان کرده باشد، می توان اینگونه تحلیل کرد که ایشان به احتمال زیاد، قائل به وجوب مستقل جهاد با مال است؛ چرا که هیچ دلیل خاصی برای چنین فرضی وجود ندارد مگر تکیه بر ادله جهاد با مال و چنانچه دلیل خاصی یا اجماع کاشف از آن دلیل خاص برای چنین مسأله ای وجود داشت، اشاره ای در ادله بدان می شد. اما شهید اول^۳ به اشتباه، نزاع در لزوم استنابه و استیجاره را به واجب مستقل بودن جهاد با مال وابسته کرده و بر همین اساس برخی فقها از جمله علامه حلی را در زمره قائلین به عدم وجوب مستقل جهاد با مال شمرده است.

در نتیجه به نظر می رسد که شیخ طوسی را باید در زمره فقهایی قرار داد که قائل به وجوب جهاد با مال است؛ چرا که به نظر ایشان^۴ و برخی دیگر از فقهاء^۵، رفع نیازهای مالی و... شخصی که مشکلی برای حضور در نبرد دارد، بر شخص

^۱ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۱/۲۱. (و فی الدروس يجوز الاستیجار علی الجهاد عندنا، قد استثناء غیر واحد من عدم جواز الاستیجار علی الواجب و لو کفایة فی کتاب مکاسب، و لعله لمعلومیة عدم إرادة المباشرة من الجهاد، فیکفی استنابة الغیر) همچنین ایشان در موارد دیگری از این دو واژه به جای یکدیگر استفاده کرده است.

^۲ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۰/۲۱.

^۳ شهید اول، موسوعه الشہید الاول، ۳۳۶/۱.

^۴ طوسی، النہایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۲۸۹.

^۵ ابن براج، المہذب، ۲۹۸/۱ و حلی، کافی فی الفقه، ۲۴۶.

عاجز از حضور در تقابل با دشمن، لازم است و این فرمایش با تکیه بر ادله لزوم جهاد با مال، توجیه پذیر است، همانطور که محقق کرکی^۱ و سید روحانی^۲ در مقام تعلیل، به ادله لزوم جهاد با مال تصریح فرموده است.

از جمله آثار دیگر وجوب مستقل جهاد با مال می توان به شرعی شدن کمک به تقابل با دشمن و تاکید بر عامل قرب الهی چنین بخشش اموالی توسط حاکم اسلامی اشاره کرد و برخلاف سایر کشورها که تامین این مخارج خصوصاً تقابل نظامی را به عنوان مالیات و به اجبار^۳ از مردم دریافت می کنند، نظام اسلامی با اشاره به جهاد بردن چنین بخشش اموالی، زمینه رضایت نفس و شوق به پرداخت اموال را ایجاد می کند.

همچنین با تجربه جنگ اسرائیل و جبهه مقاومت که در ۲۰۲۳ شروع شده و فتوای لزوم کمک به مردم لبنان^۴ توسط آیت الله خامنه ای، وجود نهادی تخصصی برای دریافت و ارزیابی روش های مصرف صحیح و انتقال این اموال به مستحقان، ضرورت پیدا کرد.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب مطرح شده، روشن شد که

۱- جهاد معنایی اعم در اسلام و قرآن دارد و اختصاص اصطلاح جهاد با مبارزه نظامی با دشمن، مربوط به علم فقه است و مسلمین علاوه بر مبارزه نظامی، در مبارزه های غیر نظامی نیز موظف به جهاد در مقابل دشمن هستند.

۲- جهاد با مال یکی از تکالیف مستقل از جهاد با نفس است و جنبه مقدمی برای جهاد با نفس ندارد و در نتیجه در صورتی که شخصی از جهاد با نفس معذور بود، مستلزم معذورت از جهاد با مال نیست و می بایست در صورت توانایی، این تکلیف را نیز از عهده خود خارج سازد.

۳- جهاد با مال، تکلیفی مستقل از سایر تکالیف مالی در اسلام است و در امور مربوط به مبارزه با دشمن، برعهده مسلمین می آید و در این مواقع، بذل مال برای خمس و زکات و... مسقط این تکلیف نیست.

۴- جهاد با مال، مصادیق متعددی می تواند داشته باشد که در مجال دیگری می بایست بدان پرداخت و در این نوشته تنها به اصل لزوم این تکلیف بسنده شد و بیان شد که این تکلیف همواره و در هر زمانی که مبارزه ای با دشمن وجود داشته باشد، بر مسلمین به صورت بالجمله واجب است و البته به دلیل کفائی بودن طبیعت جهاد، این تکلیف نیز کفائی است و با قیام من بالكفایه نسبت به این تکلیف، الزام از سایر مسلمین برداشته می شود.

فهرست منابع

^۱ کرکی، جامع المقاصد، ۳/۳۷۲

^۲ روحانی، فقه الصادق، ۱۹/۴۷

^۳ Frizel, rallying fiscal patriotism: war taxes in the contemporary world

^۴ پیام آیت الله خامنه ای درباره لبنان: ۱۴۰۳/۷/۷

• قرآن كريم

١. ابن براج حلبى، عبدالعزيز. المذهب، النشر الاسلامى، ١٤٠٦.
٢. ابن فارس احمد بن فارس. معجم مقاييس اللغة، مكتب الإعلام الإسلامى. مركز النشر، ١٤٠٤.
٣. ابن منظور محمد بن مكرم. لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
٤. ابن عاشور محمد طاهر. التحرير و التنوير من التفسير (ابن عاشور)، مؤسسة التاريخ العربى، ١٤٢٠.
٥. ابوالصلاح حلبى تقى، الكافى فى الفقه، مكتبة الامام اميرالمومنين ع على، ١٣٦٢.
٦. ايروانى باقر. دروس تمهيدية فى تفسير آيات الأحكام، دار الفقه للطباعة و النشر، ١٣٨٦.
٧. آلوسى محمود بن عبدالله. روح المعاني فى تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني، دار الكتب العلمية، ١٤١٥.
٨. جمعى از پژوهشگران. موسوعة الفقه الإسلامى طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت (عليهم السلام)، ١٤٢٣.
٩. جوهرى، اسماعيل بن حماد. الصحاح (للجوهري). دار العلم للملايين، ١٤٠٤.
١٠. خوى، سيد ابوالقاسم. منهاج الصالحين (خوى)، مدينة العلم. آيت الله العظمى الخوى، ١٤١٠.
١١. راغب اصفهانى حسين بن محمد. مفردات ألفاظ القرآن. دار الشامية، ١٤١٢.
١٢. رضا، محمد رشيد. تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار)، دار المعرفة، ١٤١٤.
١٣. روحانى، محمد صادق. فقه الصادق، آيين دانش، ١٤٣٥.
١٤. زهدرى حلى، نجم الدين. ايضاح ترددات الشرائع، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى قم، ١٣٨٦.
١٥. سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر. الدر المنثور فى التفسير بالمأثور، مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى (ره)، ١٤٠٤ طبع بطهران سنة ١٣١٠.
١٦. شهيد اول، محمد بن مكى. موسوعة الشهيد الأول. ج، مكتب الاعلام الاسلامى فى الحوزة العلمية. قم المقدسة. معاونة الابحاث. مركز العلوم و الثقافة الاسلامية، ١٤٣٠.
١٧. شهيد ثانى، زين الدين بن على. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١٣.
١٨. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر. جواهر الكلام (ط. القديمة)، دار إحياء التراث العربى.
١٩. طباطبايى، محمد حسين. الميزان فى تفسير القرآن. مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٣٥٢.
٢٠. طبرسى، فضل بن حسن. مجمع البيان، دار المعرفة، ١٤٠٨.
٢١. طبرى، محمد بن جرير. جامع البيان عن تاويل آى القرآن (تفسير الطبرى)، هجر، ١٤٢٢.
٢٢. عراقى، ضياء الدين. شرح تبصرة المتعلمين (الطهارة إلى الإجارة)، جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤١٤.
٢٣. علامه حلى، حسن بن يوسف. تذكرة الفقهاء (ط الحديث: الطهارة إلى الجعالة)، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ١٤١٤.
٢٤. فخر رازى، محمد بن عمر. التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، دار إحياء التراث العربى، ١٤٢٠.

۲۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. القاموس المحيط، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵.
۲۶. فیومی، احمد بن محمد. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، مؤسسة دار الهجرة، ۱۴۱۴.
۲۷. قرشی، علی اکبر. قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱.
۲۸. قطب، سید. فی ظلال القرآن، دار الشروق، ۱۴۰۸.
۲۹. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی. مؤسسة الطبع و النشر، ۱۳۶۷.
۳۰. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر. کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء. مهدوی.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی (اسلامیة)، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳.
۳۲. محقق کرکی، علی بن حسین. جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۴.
۳۳. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفکر، ۱۴۱۴.
۳۴. مشکینی اردبیلی، علی. مصطلحات الفقه. مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث. سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۲.
۳۵. مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الکتب لترجمة و النشر، تهران - ایران، اول، ۱۴۰۲ ه.ق.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.
۳۷. منکیو، گریگوری. مبانی علم اقتصاد، نشر نی، تهران - ایران، هجدهم، ۱۴۰۳.
۳۸. میرزای قمی ابوالقاسم بن محمد حسن. جامع الشتات (میرزای قمی)، کیهان، ۱۳۷۱.

منابع لاتین

1. Frizell, Jakob ,rallying fiscal patriotism: war taxes in the contemporary world, Comparative Political Studies, Vol. 57(8), 1375-1405.
2. Bullock, Charles J. The Quarterly Journal of Economics, Oxford University Press, 31 (3), 357-379.

سایت

www.farsi.khamenei.ir